

موسسه مطالعات و پژوهشهاي بازرگاني

معاونت پژوهش و آموزش

|  |  |
| --- | --- |
| شماره و تاريخ ثبت مركز اسناد موسسه: |  |
|  |

سياست صنعتي هند

National Manufacturing Policy

هرگونه استفاده از گزارش منوط به دريافت مجوز از موسسه/سازمان متقاضي خواهد بود.

ويرايش اوليه - غير قابل انتشار

[عنوان گزارش]

[كارفرما][مجري/تهيه‌كننده]

مردادماه 1388

**سياست صنعتي هند**

موسسه مطالعات و پژوهش‌هاي بازرگاني

معاونت پژوهش و آموزش

مترجمين:

دكتر علي‌رضا گرشاسبي، فرزاد مرادپور

دكتر علي سليم

دكتر وحيد بزرگي، محمد راستي، دكتر محسن شريعتي‌نيا

دكتر روح اله نوري، مهندس مجتبي سليماني

ویرایش: زورار پرمه، دکتر حمیدرضا اشرف‌زاده

اسفندماه 1393

فهرست مطالب

[1- بيانيه سياست 1](#_Toc416073987)

[2- منطقي سازي و تسهيل مقررات كسب و كار 8](#_Toc416073988)

[3- سازو‌كار خروج 10](#_Toc416073989)

[3-1- سياست مشاغل از دست رفته 10](#_Toc416073990)

[3-2- صندوق وجوه ريخته شده 11](#_Toc416073991)

[3-3- تركيب دو ساز‌و‌كار فوق 11](#_Toc416073992)

[3-4- تجهيز مجدد دارايي‌ها 11](#_Toc416073993)

[3-5- معافيت از ماليات بر افزايش قيمت سرمايه 12](#_Toc416073994)

[4- توسعه و اكتساب فناوري 13](#_Toc416073995)

[4-1- مشوق‌هاي دولتي و مكانيزم‌هاي جديد براي بهبود فناوري‌هاي سبز 13](#_Toc416073996)

[4-2- تشويق اكتساب و توسعه فناوري مناسب در كشور 13](#_Toc416073997)

[4-3- ليسانس اجباري 15](#_Toc416073998)

[5- اقدامات آموزش صنعتي و ارتقاي مهارت‌ها 16](#_Toc416073999)

[5-1- مهارتسازي در نيروي كار كم آموزش ديده 17](#_Toc416074000)

[5-2- ايجاد موسسات آموزش صنعتي 19](#_Toc416074001)

[5-3- تاسيس پلي تكنيك 21](#_Toc416074002)

[6- بنگاه‌هاي كوچك و متوسط 22](#_Toc416074003)

[6-1- دسترسي به وجوه مالي 22](#_Toc416074004)

[6-2- پيشنهادها براي بهبود دسترسي بنگاه‌هاي كوچك و متوسط صنعتي به وجوه مالي 23](#_Toc416074005)

[6-3- واحد بازپرداخت اقساط وام براي جمع‌آوري و پرداخت بدهي‌هاي قانوني بنگاه‌هاي كوچك و متوسط 25](#_Toc416074006)

[7- بخش‌هاي نيازمند به توجه خاص 26](#_Toc416074007)

[8- ترميم كمبود زيرساخت‌ها و خريدهاي دولتي 27](#_Toc416074008)

[9- خوشه‌بندي و تجميع: منطقه‌هاي سرمايه‌گذاري و صنعتي ملي 28](#_Toc416074009)

[9-1- اندازه زمين 28](#_Toc416074010)

[9-2- ساختار اداري منطقه‌هاي سرمايه‌گذاري و صنعتي ملي 30](#_Toc416074011)

[9-2-1- واحدهاي ويژه (SPV) 30](#_Toc416074012)

[9-2-2- تاسيس واحد ويژه (SPV) 31](#_Toc416074013)

[9-2-3- كاركردهاي واحد ويژه (SPV) 31](#_Toc416074014)

[9-3- نهاد توسعه‌دهنده 32](#_Toc416074015)

[9-4- دولت ايالتي 33](#_Toc416074016)

[9-4-1- تامين آب 33](#_Toc416074017)

[9-4-2- اتصال برق 33](#_Toc416074018)

[9-4-3- ارتباطات زيرساخت 34](#_Toc416074019)

[9-5- دولت مركزي 34](#_Toc416074020)

[9-5-1- نقش 34](#_Toc416074021)

[9-6- تامين مالي زيرساخت داخلي NIMZها 35](#_Toc416074022)

[9-6-1- براي اين هدف 35](#_Toc416074023)

[10- سياست تجاري 36](#_Toc416074024)

# بيانيه سياست

**1.1** طي دو دهه گذشته، اقتصاد هندوستان با تحولات بنيادي به‌عنوان يكي از اقتصادها با سريع‌ترين رشد در دنيا ظهور كرده است. توسعه صنعتي در هندوستان (پس از پايان استعمار)، به‌واسطه سه برنامه‌ي سياست‌ صنعتي دولت در سال‌هاي 1948، 1956 و 1991 سرعت يافت و ظرفيت‌هاي قابل توجهي را در صنعت اين كشور ايجاد كرد. اصلاحات اقتصادي سال 1991، تغييرات ساختاري را به ارمغان آورد كه بخش خصوصي را قادر ‌ساخت نقش بيشتري در تمامي بخش‌هاي اقتصادي برعهده گيرد. با وجود اين، رشد توليد ناخالص داخلي هندوستان، تا حد قابل توجهي مرهون رشد پوياي بخش خدمات در اين كشور است.

**2.**1 اگرچه در سال‌هاي اخير، نرخ رشد بخش صنعت هندوستان از نرخ رشد كلي اقتصاد سبقت گرفته است (حدود 16درصد از توليد ناخالص داخلي) وليكن سهم بخش صنعت در اقتصاد هندوستان با ظرفيتها و توان بالقوه آن فاصله دارد.

3.1 در قياس با رشد بخش صنعت ديگر كشورهاي آسيايي كه در مراحل مشابهي از توسعه اقتصادي قرار دارند، جايگاه فعلي بخش صنعت هندوستان به عنوان يك چالش و مسئله مطرح مي‌شود. اين شكاف در حال افزايش در سهم بخش صنعت در اقتصاد هندوستان و بهره­وري پايين آن در مقايسه با كشورهاي مذكور، نشانگر اين است كه اين كشور موفق به استفاده از فرصت‌هاي ايجاد شده در پويائي‌هاي جهاني‌شدن نشده است.

4.1 اين وضعيت، تبعات اقتصادي و اجتماعي را به صورت وابستگي بالاي معيشتِ بخش اعظميِ از جمعيت هندوستان به كشاورزي و معضل بيكاري پنهان و بيكاري در مناطق شهرنشين به دنبال داشته است. هرم سني جمعيت هندوستان وضعيت مطلوبي دارد؛ به‌گونه‌اي‌كه بيش از 60 درصد جمعيت آن در سنين اشتغال يعني  
59-15 سال قرار دارند. براي كشوري كه بزرگترين جمعيت جوان دنيا را دارد، اين مسأله خود يك چالش بزرگ محسوب مي‌شود. در دهه‌ي پيش‌رو، هندوستان بايد براي بخش زيادي از جمعيت خود كه در سطوح مختلفي از مهارت و صلاحيت هستند، فرصت‌هاي شغلي ايجاد كند (بايد براي220 ميليون نفر تا سال 2025 شغل ايجاد شود). بخش مهمي از اين اشتغالزايي بايد در بخش صنعت صورت گيرد. هر يك شغل در بخش صنعت، 2 تا 3 شغل ديگر در بخش‌هاي وابسته ايجاد مي‌كند. بنابراين، تكيه بر بخش صنعت، در دستور كار رشد اقتصاد دولت قرار دارد.

5.1 در توسعه بخش صنعت، علاوه بر رفع بيكاري، ايجاد رشد پايدار به منظور حفاظت از منابع طبيعي و كشاورزي، برآورد نيازهاي راهبردي كشور و توسعه فناوري‌هاي جديد براي رفاه آحاد جامعه نيز مد نظر قرار دارد.

6.1 سطح نسبتاً پايين ارزش افزوده محصولات صنعتي هند، و رشد واردات تجهيزات سرمايه‌اي، بايد به عنوان مسائل محوري بر سر راه ارتقاي رقابت‌پذيري بخش صنعتی هندوستان مورد توجه قرار بگيرند. ارتقاء عمق صنعت[[1]](#footnote-1) در صنايع استراتژيكي چون دفاع و ارتباطات و ايجاد رقابت‌پذيري بلندمدت در آنها نيز از جمله موارد مهم و حياتي است. همچنين تكميل و بومي كردن زنجيره‌هاي ارزش، به لحاظ آثار آن در امنيت ملي هندوستان نيز از اهميت فراواني برخوردار است.

7.1 در نهايت، بايد با بكارگيري فناوري‌هاي سبز، كارايي مصرف انرژي، به‌كارگيري بهينه منابع طبيعي و احياي منابع تخريب شده يا اكوسيستم‌هاي آسيب ديده، پايداري را در بخش صنعت فراهم كرد.

8.1 توسعه بخش صنعت هندوستان نيازمند تعميق و بازنگري در اصلاحات اقتصادي است؛ به‌گونه‌اي كه ضمن تقويت بخش، رشد آن را تسريع و تبديل به موتور توسعه اقتصادي هندوستان كند.

9.1 دولت هندوستان، ايجاد تحولات كمي و كيفي در بخش صنعت از طريق «سياست‌هاي توسعه بخش صنعت» را، در قالب 6 هدف زير پيگيري مي‌كند:

الف- افزايش رشد بخش صنعت به 12-14 درصد در ميان‌مدت و تبديل آن به موتور رشد اقتصادي كشور. اختلاف 2-4 درصدي نرخ رشد بخش صنعت با نرخ رشد اقتصادي، در ميان مدت سهم بخش صنعت را از توليد ناخالص ملي در سال 2022 به حداقل 25 درصد خواهد رساند.

ب- افزايش نرخ اشتغالزايي در بخش صنعت به‌منظور ايجاد 100 ميليون شغل جديد تا سال 2022؛

ج- ارتقاء مهارت‌هاي مورد نياز در بين مهاجران روستايي و فقراي شهرنشين؛

د- افزايش ارزش افزوده داخلي و عمق فناوري[[2]](#footnote-2) بخش صنعت؛

ه- ارتقاء رقابت‌پذيري جهاني بخش صنعت از طريق اتخاذ سياست‌هاي مناسب؛

و- حصول اطمينان از پايداري رشد بخش، به‌خصوص در رابطه با مسائل زيست محيطي نظير كارايي مصرف انرژي، بكارگيري بهينه منابع طبيعي و احياي اكوسيستم‌هاي آسيب ديده يا تخريب شده.

**10.1** به منظور دستيابي به اين اهداف اقدامات ذيل انجام خواهد شد:

الف ـ جذب سرمايه‌گذاري و فناوري خارجي به منظور ارتقاء توانمندي‌ها و فناوري‌هاي صنعتي در راستاي كمك به گسترش بازار محصولات صنعتي كشور؛

ب ـ قرار گرفتن موضوع رقابت‌پذيري بنگاه‌ها، به عنوان مبناي اصلي تدوين و اجراي سياست‌ها و برنامه‌ها؛

ج ـ منطقي‌‌سازي قوانين و مقررات حوزه كسب‌وكار و كاهش الزامات قانوني و رويه‌هاي غيرضروري و محدودكننده؛

د ـ ترويج نوآوري براي تقويت بهره‌وري، كيفيت و رشد بنگاه‌ها؛

ه ـ ايجاد سازوكار مشورتي موثر با حضور تمامي ذينفعان، جهت اعمال اصلاحات مورد نياز در حين اقدامات.

**11.1** در اين راستا، محورهاي صنعتي ذيل مورد توجه ويژه خواهند بود:

1. **صنايع كاربر:** صنايع كاربر با هدف ايجاد شغل، ارتقاء و تقويت خواهند شد. در اين زمينه، توجه ويژه‌اي به صنايع نساجي و پوشاك، چرم و كفش، جواهرات و سنگ‌هاي قيمتي، فرآوري موادغذايي خواهد شد.
2. **كالاهاي سرمايه‌اي:** لازمه رشد اقتصادي پايدار، وجود تقاضا براي كالاهاي سرمايه‌اي است. چنين رشدي، تقاضاي بالا و مستمر را براي كالاهاي سرمايه‌اي به دنبال خواهد داشت. صنعت كالاهاي سرمايه‌اي كه صنعت مادر محسوب مي‌شود، رشد مطلوبي نداشته است. در اين راستا به صنايع ماشين‌آلات، تجهيزات الكتريكي سنگين، وسايل نقليه سنگين، ماشين‌آلات راهسازي و تجهيزات معدني توجه ويژه‌ خواهد شد.

برنامه‌هاي ضرب‌الاجل براي توانمندسازي مراكز تحقيق و توسعه، تقويت ظرفيت‌هاي تحقيق و توسعه در بخش خصوصي، و در عين حال تقويت قابليت‌هاي بخش دولتي براي هماهنگي و حمايت از بخش خصوصي تنظيم خواهند شد.

1. **صنايع با اهميت استراتژيك:** نياز راهبردي كشور، آغاز برنامه‌هايي جهت افزايش توانمندي‌هاي ملي براي تبديل هندوستان به قدرتي بزرگ در حوزه‌هايي چون هوافضا، كشتيراني، حوزه‌هاي سخت‌افزاري فناوري اطلاعات و الكترونيك، تجهيزات ارتباطي، تجهيزات دفاعي و انرژي خورشيدي را به وجود خواهد آورد. در اين راستا، پروژه‌هاي مأموريتي[[3]](#footnote-3) در هر يك از حوزه‌هاي فوق، با توجه به اينكه در زمینه انرژي خورشيدي قبلاً پروژه‌اي در قالب «برنامه ملي در حوزه تغييرات آب‌وهوا»[[4]](#footnote-4) آغاز شده است.
2. **صنايع با مزيت رقابتي:** بازار داخلي بزرگ هندوستان به همراه پايه مهندسي قوي در اين كشور، منجر به توسعه مهارت‌هاي بومي و صنايع توليدي كم هزينه در حوزه‌هاي خودروسازي، داروسازي و تجهيزات پزشكي شده است. وزارتخانه‌هاي ذيربط برنامه‌هاي ويژه‌اي را براي تقویت شالوده قوي صنعتي، در راستاي حفظ جايگاه پيشرفته كشور در عرصه جهاني تعريف خواهند نمود.
3. **كسب‌وكارهاي كوچك و متوسط:** سهم SMEها از توليدات صنعتي 45 درصد و از كل صادرات 40 درصد است. اين كسب‌ وكارها فرصت‌هاي شغلي مناسبي را در زمينه خوداشتغالي و اشتغال، در مناطق مختلف هندوستان ايجاد مي‌كنند. این بخش براي کمک به رشد كلي بخش صنعت و همچنين کل اقتصاد باید از نرخ رشد مطلوبی برخوردار باشد. براي اين منظور لازم است مداخلات سياستي در حوزه‌هاي مديريت توليد نظير تسريع روند اتخاذ فناوري‌هاي اطلاعات، توسعه مهارت‌ها، دسترسي به سرمايه، بازاريابي، ساده‌سازي رويه‌ها و اصلاحات حكمراني شركتي[[5]](#footnote-5) صورت گيرد.

برنامه رقابت‌‌پذيري صنعت ملي كه به‌وسيله شركت‌هاي خرد، كوچك و متوسط در دست اجراست، تقويت خواهد شد و توصيه‌هاي گروه كاري در وزارتخانه شرکت‌های كوچك و متوسط براي ايجاد يك صندوق جدا از بانك توسعه صنايع كوچك هند، ‌تقويت شركت‌هاي صنعتي كوچك ملي، اصلاح قوانين مربوط به تسهيلات و اعطاي وام به وزارتخانه شركت‌هاي خرد، كوچك و متوسط تحت عنوان اعطاي وام به بخش‌هاي اولويت‌دار با اتخاذ اقدامات مناسب، پياده‌سازي خواهد شد.

1. **شرکت­های بخش عمومی:** تعهدات بخش عمومی، خصوصاً در بخش انرژی و دفاع، همچنان نقش مهمی در رشد بخش صنعت و رشد اقتصاد ملی دارند. یک چارچوب سیاستی مناسب به‌گونه­ای تنظیم خواهد شد که در عین تضمین استقلال عملکردی شركت‌هاي بخش عمومی، امکان رقابت‌پذيري آنان را نیز میسر سازد.

**12.1** ابزارهای سیاستی مشخصی برای دستیابی به اهداف بیان شده فوق، تبیین شده­اند. این ابزارها که با جزئیات بیشتر در بخش بعدي سند سیاستی آمده­اند، مباحث زیر را پوشش می­دهند:

1. منطقي‌سازي و تسهیل مقررات کسب ‌وکار؛
2. مکانیزم خروج ساده و سریع واحدهای زیان­ده با حمایت از منافع نیروی‌کار؛
3. فرايندهاي مالی و نهادي برای توسعه فناوری شامل فناوری‌های سبز؛
4. برنامه‌هاي آموزش صنعتی و اقدامات ارتقاء مهارت[[6]](#footnote-6)؛
5. برقراري مشوق‌هايي برای بنگاه­های کوچک و متوسط؛
6. تمركز بر بخش­های خاص؛
7. تامین کسری زیرساخت­ها و تدارکات دولتی شامل دفاع؛
8. خوشه­بندی و تجمیع: مناطق سرمایه­گذاری و صنعتي ملي(NIMZs) ؛
9. سیاست تجاری.

**1.13** تجربه جهانی صنعتي نشان داده است که مزایای خوشه­بندی و تجمیع همانگونه که واکنش زنجیره عرضه را افزایش می­دهد، امکان دسترسی آسان­تر به بازار و کاهش قابل ملاحظه هزینه­های لجستیک را فراهم می­کند. با وجود اجراي برنامه­های متعددي برای ترویج خوشه­های صنعتی توسط دولت، ولي هنوز مزایای کامل تجمیع محقق نشده است. یکی از ابزارهای کلیدی برای تسهيل رشد صنعت، ايجاد مناطق سرمایه­گذاری صنعتی ملي است که در ماهيت به شهرك‌هاي صنعتی داراي تكنولوژي سبز تبديل خواهد شد و با بهترین هاب­های صنعتي در دنیا ارزیابی خواهند شد. اين مناطق همچنین برای پاسخ به افزایش تقاضا برای ایجاد مراکز شهری در هندوستان در کلاس جهانی، به ما کمک خواهد کرد و نیروی‌کار مازاد را نیز با ارائه فرصت­های شغلی پرمنفعت برای آنان، جذب خواهد کرد. به علاوه این مناطق تنگناهای زیربنایی‌ای را که به عنوان عامل محدودکننده رشد تولید شناخته می­شوند، رفع مي‌كنند.

**1.14** یک سیاست جامع براي خروج(بنگاه‌های زیان‌ده) به‌گونه­ای است که بهره­وری را ارتقاء خواهد داد؛ درحالی‌که با حذف چسبندگی بازار کار انعطاف‌پذيري را بوجود آورده و از حقوق کارگران مطابق با قانون مربوط، حمايت مي‌كند.

**1.15** رشد صنعت باید هماهنگ با اعتماد به اجرای برنامه توسعه مهارت باشد. ابتكارات توسعه مهارت ملی که توسط دولت هندوستان آغاز شد، اعتماد به نفس جدیدی برای ایجاد ظرفیت­های تولید فراهم کرده است. این سیاست به‌دنبال ادغام توسعه مهارت در شرکت‌های مولد کشور است که از سوي نهادهای قوی دولتي حمایت شده است.

**1.16** اعتماد به مدیریت نیروی‌کار از طریق تشویق اتحادیه­ها و کارفرمایان برای توسعه ترتیبات نهادي بهتر در ایالت‌ها و واحدهای تولیدی است که با تاکید بر منطقي‌سازي قوانین نیروی‌کار و شیوه­های کارگاهی می‌باشد.­

**1.17** مدیریت تولید توجهي هدفمند بر تسهیل ارتقاء بهره­وری، کیفیت و رقابت‌پذيري شرکت­های صنعتي خواهد داشت. صنعت نیز به همكاري با مؤسسات عالی براي گسترش برنامه­های آموزشي در ابعاد مختلف تولید برای مهندسان و مديران ناظر، تشویق خواهد شد.

**1.18** در زمينه توسعه پايدار و به منظور سوق دادن عمليات صنعتي به سمت حفاظت از محيط زيست و بررسي فناور‌ي‌هاي در حال ظهور در اين منطقه - كه فرصت‌هايي را براي ايجاد رهبري منطقه‌اي و جهاني ارائه مي‌دهد-‌ دولت به سياست‌هاي تنظيمي و سياست‌هاي بازاري متوسل خواهد شد. دولت، استانداردهاي انتشار و تخليه (به استثناي انتشار گازهاي گلخانه‌اي سبز) را توصيه و مروّجان پروژه‌ها را براي دستيابي به استانداردها تعيين خواهد كرد. دولت مشوق‌هاي مستمر، پولي و غيره را براي تشويق واحدهاي آلاينده‌ به كاهش انتشار آلاينده‌هاي مضر ارائه خواهد كرد تا تضمين كند استانداردها به خوبي رعايت مي‌شوند‌.

**1.19** زمين به يك محدوديت عمده براي رشد صنعتي در سال‌هاي اخير تبديل شده است. دولت براي آماده‌سازي زمين صنعتي در جهت رشد صنعتي پايدار اقداماتي انجام خواهد داد كه از آن جمله مي‌توان به ايجاد بانك زمين توسط ايالت‌ها، ‌ديجيتالي شدن نقشه زمين و منابع و برنامه‌هايي براي استفاده از زمين‌هاي به‌كار رفته در فرآيندهاي غيرمولد (همانند زمين‌هاي تخصيص يافته به صنايع از بين رفته يا زيان‌ده) اشاره كرد.

**1.20** توسعه صنعت و فناوري كاملاً بهم مرتبط است زيرا همانگونه که فناوري‌ها مفیدتر می‌شود، از طريق صنعت به محصول تبديل شده و بازخورد از صنعت، توسعه تكنولوژي را بيشتر خواهد كرد.

1.21 با اهرم قرار دادن قدرت بازار بزرگ هندوستان، سياست‌ها و اقدامات در راستاي اطمينان از دسترسي شركت‌هاي هندي به فناوري‌هاي خارجي به علاوه توسعه فناوري‌هاي پيشرفته بومي، اتخاذ خواهند شد كه شامل موارد زير است:

1. ارائه مشوق‌ها به شكل تخفيفات مالياتي و يارانه‌هاي دولتي براي توسعه فناوري‌هاي بومي؛
2. مشاركت بين صنايع و آزمايشگاه‌هاي دولتي؛
3. خريدهاي ترجيحي محصولات و فناوري‌هاي توسعه‌يافته بومي توسط سازمان‌هاي دولتي؛
4. توسعه آگاهانه نظام مالكيت معنوي براي توانمندسازي بيشترِ نوآوري مشاركتي و بومي و بهبود دسترسي به فناوري‌هاي سازگار با محيط زيست. هندوستان نسبت به گسترش رژيم مالكيت معنوي، فراتر از نظام TRIPS فعلي كه مي‌تواند پيامدهايي را روي توسعه و مالكيت فناوري‌ها در كشور داشته‌باشد،‌ بسيار محتاط است.
5. سرمايه‌گذاري مشترك بين شركت‌هاي خارجي و شركاي هندي؛

1.22 در جهت هماهنگي بيشتر اهداف، سياست سرمايه‌گذاري و تجاري بطور جدايي‌ناپذيري با سياست صنعتي به هم پيوسته‌اند. همچنان‌كه هندوستان يكپارچه‌سازي خود با دنياي جهاني شده را از طريق موافقت‌نامه‌هاي تجاري آزاد دوجانبه و منطقه‌اي/موافقت‌نامه‌هاي مشاركت‌هاي اقتصادي جامع ادامه مي‌دهد، ضروري است تضمين ‌شود كه چنين موافقت‌نامه‌هايي اثر زيان‌باري روي توليدات داخلي هند نداشته باشند. همچنين دولت استفاده از خريد‌هاي عمومي در بخش‌هاي خاص با ارزش افزوده محلي را در حيطه فناوري‌هاي حساس،‌ و هر جا كه ممكن باشد، همچون تجهيزات انرژي خورشيدي، سخت‌افزارهاي الكترونيكي، تجهيزات كاراي حمل‌ونقل از لحاظ سوختي و سيستم‌هاي امنيتي IT محور را بررسي خواهد كرد.

1.23 رشد سالانه بيش از 12 درصد بخش صنعت در ميان مدت و طولاني مدت، فشار بالايي بر بازارهاي مواد اوليه خام وارد مي‌كند. ترتيبات براي تامين مطمئن چنين مواد خامي در بلندمدت صورت خواهد گرفت. دستيابي به شركت‌هاي فناوري پيشرفته، انتقال فناوري به شركت‌هاي صنعتي مادر را تسهيل مي‌كند؛ درحالي‌كه دستيابي به شركت‌هاي داراي ارزش برند بالاتر يا برخوردار از موقعيت استراتژيك، ‌دسترسي به بازار را براي شركت‌هاي هندي افزايش مي‌دهد. براي اين منظور، مجموعه شفافي از خط مشي‌هاي سياستي توسط دولت تنظيم خواهد شد.

1.24 اجراي سياست‌ها به اندازه سياست‌گذاري داراي اهميت است، چون اگر سياست به‌درستي اجرا نشود نتايج مورد انتظار آن حاصل نخواهد شد. به منظور اطمينان از اجراي موثر سياست‌ها، مكانيزمي براي بازنگري سياست صنعتي ايجاد شده و كميته‌اي در سطح بالا به رياست وزارت سياست صنعتي و توسعه، به صورت منظم اجراي اين سند را نظارت مي‌كند. يك هيأت توسعه صنعت توليد (MIPB) نيز در سطح وزير صنعت و بازرگاني براي اطمينان از هماهنگي ميان وزارتخانه‌هاي مركزي و دولت‌هاي ايالتي تشكيل خواهد شد. دولت‌هاي ايالتي بايد مشاركت يكساني در اثربخشي اين سياست‌ها داشته باشند و گردهمايي وزيران صنايع ايالتي هر شش ماه يكبار براي آغاز مذاكرات در خصوص هدايت متمركز توليد، برگزار گردد.

# منطقي سازي و تسهيل مقررات كسب و كار

منطقي سازي رويه‌هاي تنظيمي

2-1- به طور متوسط، يك واحد صنعتي بايستي خود را با حدود 70 قانون و مقررات منطبق گرداند. علاوه بر بازرسي‌هاي متعدد، اين واحدها گاه ناگزير به ارائه بالغ بر 100 توضيح مكتوب در سال هستند. بار انجام چنين انطباق‌هايي براي كارآفرينان جوان در پذيرش نقش كارآفريني، اثر بازدارندگي دارد. در نتيجه، افراد بسياري كه توانايي خوداشتغالي داشته (امكان اشتغال بيشتر و افزايش فعاليت‌هاي اقتصادي)، به قبول مشاغلي پايين‌تر از توان بالقوه خود تن مي‌دهند.

2-2- در گذشته تلاش‌هايي براي كاهش اين رويه‌ها صورت گرفته است. سامانه‌هاي پنجره واحد و مصوبه‌هاي سريع از جمله اين تلاش‌ها هستند. در برخي موارد براي مصوبه‌هاي الكترونيك، فناوري ارتقاء يافته است. اما اين تلاش‌ها فقط تا حدودي موفق بوده‌اند چراكه سازمان‌هاي مختلف دولتي مايل به كنارگذاشتن يا اصلاح نقش خود نبوده‌اند. دولت بايستي ضرورت اصلاح خود را بپذيرد و به صنعت اجازه دهد تا جايي كه ممكن است خود به تنظيم خود بپردازد. هدف يك قانون يا مقررات بايستي بدون آنكه حالت دخالتي آزاردهنده داشته باشد و افزايش شكايات فساد را سبب شود، تامين گردد.

2-3- مواد متعدد قوانين مختلف مي‌تواند در همكاري با نهادهاي عمومي يا خصوصي و تحت نظارت جامع مقامات قانوني به منظور كمك به كارآفرينان محلي، منطقي يا اجرايي شوند. بنابراين، داشتن چنين چارچوبي مورد توصيه مي باشد:

الف) دولت مركزي و دولت‌هاي محلی مي‌توانند معافيت‌هايي در صورت ايفاي شرايط مقرر در قانون اعمال كنند. در اين خصوص واحد ويژه[[7]](#footnote-7) (SPV)مي‌تواند كمك كننده باشد.

ب) سازوكارهايي براي همكاري نهادهاي عمومي يا خصوصي با خدمات بازرسي دولتي تحت نظارت جامع مقامات قانوني مي‌تواند ايجاد شود. در خصوص قوانين و مقررات زيست‌محيطي، بازرسي موسسات تعيين و اعلام شده كه آموزش‌هاي ويژه ديده باشند، به عنوان بازرسي طرف سوم مكمل بازرسي نهادهاي دولتي مسوول نظارت بر انطباق خواهد بود.

ج) در خصوص قوانين و مقررات مربوط به محيط زيست، دولت مركزي يا دولت‌هاي ايالتي مي‌توانند به نحوي كه قوانين مرتبط مجاز مي‌دارند، به مسوول دولتي كنترل آلودگي[[8]](#footnote-8) منطقه تفويض اختيار كنند. مجوزهاي زيست محيطي براي واحدهاي منطقه سرمايه‌گذاري و صنعتي ملي(NIMZ) مطابق با اطلاعيه سال 2006 ارزيابي آثار زيست محيطي[[9]](#footnote-9) بايد با اولويت بالايي مدنظر قرار گيرند و واحدهاي آن از فرايند نظارت عمومي كه در اطلاعيه سال 2006 ارزيابي آثار زيست محيطي مقرر گرديده است، در مواردي كه دولتهاي محلي اين فرايند نظارت عمومي را برگزار كرده باشند، معاف مي‌گردند. بعلاوه، دستورالعمل‌ها و راهنماهاي تسهيل‌كننده مي‌تواند در سطح ملي يا ايالتي با هدف توسعه سرمايه‌گذاري منطقه سرمايه‌گذاري و صنعتي ملي با حفظ يكپارچگي زيست‌محيطي گاه به گاه انتشار يابد.

د) كل فرايند مجوزهاي صادره توسط مقامات مركزي يا ايالتي تدريجاً از طريق اينترنت قابل انجام مي‌شود.

ه) در خصوص تمامي مجوزها مهلت زماني تعيين مي‌شود. در مواردي كه تصميم در مهلت زماني مشخص شده گرفته نشود، فرض بر اين است كه با انقضاي مهلت، مجوز اعطا شده است.

و) يك فرم تركيبي درخواست و يك فهرست مشترك تا آنجا كه عملي باشد، ايجاد مي‌شود.

ز) ارائه پاسخ‌هاي توضيحي متعدد به ادارات مختلف با يك پاسخنامه ساده شده ماهانه يا فصلي، هركجا كه عملي باشد، جايگزين مي‌گردد.

2-4- در ميان تمامي مجوزهاي راه‌اندازي يك صنعت، مجوزهاي زيست محيطي و موارد مربوط به رفاه كارگري مهم‌ترين مجوز به شمار مي‌روند. جنبه‌هاي عمده زيست محيطي در منطقه سرمايه‌گذاري و صنعتي ملي در همان ابتدا با انجام مطالعه تاثيرات به هنگام انتخاب مكان استقرار، و متعاقباً طي برنامه اصلي با منطقه‌يابي صحيح مورد توجه خاصی هستند. سياست خروج (بنگاه‌های زیان‌ده) با مدنظر داشتن مقررات حمايت از حقوق كارگران در چارچوب قانون تنظيم مي‌گردد. ممكن است سازو‌كارهايي براي همكاري نهادهاي عمومي يا خصوصي با خدمات بازرسي دولتي تحت نظارت جامع مقامات قانوني تنظيم شود. مشروط به ايجاد سازو‌كار مناسبي كه هماهنگ با وزارت كار و اشتغال قوانين مختلف كار را اجرايي سازد، بخش ذي‌ربط دولت مي‌تواند اختيارات بازرسي و اجرايي خود را به رييس واحد ويژه كه يك مقام ارشد دولتي است محول نمايد. دولت مي‌تواند حسابرسي ادواري در خصوص ساز‌و‌كار اجرايي به كار بسته شده، به منظور تضمين مطابقت با همه مقررات رفاه كارگري، به عمل آورد.

# سازو‌كار خروج

استمرار كسب و كارهاي بي‌دوام به راكد ماندن منابع مالي و دارايي‌هاي سرمايه‌اي مي‌انجامد كه مي‌توانستند با بهره‌وري بيشتري براي ايجاد توليد، درآمد و اشتغال بيشتر به كار بسته شوند. بنابراين ساز‌و‌كار سريع خروج براي سرمايه هاي مسدود شده در كسب و كارها ضروري است. سياست ملي صنعتي درصدد وضع اقدامات سياستي به منظور تسهيل جابه‌جايي دارايي‌هاي متعلق به واحدهاي بي‌دوام و در عين حال حمايت كامل از منافع كارگران است.

## سياست مشاغل از دست رفته

مطابق با بخش 25[[10]](#footnote-10) قانون اختلافات صنعتي، الزام قانوني مبني بر پرداخت جبراني معادل 15 روز متوسط پرداختي براي هر سال كامل يا بخشي از آن كه كمتر از شش ماه نباشد وجود دارد. مطابق با سياست مشاغل از دست رفته، بنگاه‌هاي فعال در مناطق سرمايه‌گذاري و صنعتي ملي بايد كارگران را در خصوص بيكاري ناشي از تعطيلي واحد يا كاهش نيروي كار به جهت محدوديت‌هاي مالي بيمه نمايند. اين سياست براي پرداخت جبراني به كارگران به هنگام تعطيلي يا تعديل مقتضي يك بنگاه به كار بسته مي‌شود.

سياست مشاغل از دست رفته واحدها را قادر مي‌سازد از طريق بيمه، پرداخت‌هاي مناسبي به كارگران در صورت زياندهي يا تعطيلي كسب و كار داشته باشند و بدين وسيله از دارايي‌ها هزينه نشود. اين جبران معادل 20 روز متوسط پرداختي براي هر سال كامل يا بخشي از آن (نبايد كمتر از شش ماه باشد) صورت مي‌گيرد. واحدهاي ويژه (SPV) به بنگاه‌ها كمك خواهند كرد تا جهت تامين الزام قانوني كاهش هزينه‌هاي جبران، در مرحله تخصيص زمين اين بيمه را به قيمتي كه توسط واحدهاي ويژه بر مبناي مناقصه رقابتي تعيين مي‌گردد خريداري نمايند. اين بيمه قبل از شروع فعاليت خريداري مي‌شود. حق بيمه به منظور ايجاد چتر ايمني براي كارگران در خصوص از دست دادن شغل پيشاپيش پرداخت خواهد شد. واحدهاي ويژه مسوول نظارت بر اين امر هستند.

## صندوق وجوه ريخته شده [[11]](#footnote-11)

واحدهاي ويژه مختارند كه از سازوكار صندوق وجوه ريخته شده، به عنوان جايگزين سياست مشاغل از دست رفته استفاده كنند. شرايط ايجاد و فعاليت صندوق وجوه ريخته شده توسط دولت مركزي يا دولت‌هاي ايالتي اعلام مي‌گردد. موجودي حداقل مشخصي متناسب با بدهي‌هاي مورد انتظار همواره در اين صندوق حفظ مي‌شود. اين صندوق بايد مستمراً مقادير برداشتي را جبران نمايد. در خصوص صندوق وجوه ريخته شده نيز مقادير جبراني كارگران مي‌تواند معادل 20 روز متوسط پرداختي براي هر سال كامل يا بخشي از آن[[12]](#footnote-12) باشد.

## تركيب دو ساز‌و‌كار فوق

واحدهاي ويژه مي‌توانند سياست مشاغل از دست رفته يا صندوق وجوه ريخته شده يا تركيبي از اين دو را انتخاب كنند. اين واحدها همچنين توانايي استفاده از هرگزينه يا ترتيب مناسبي ديگري را دارند. واحدهاي ويژه مسئول تضمين هر پرداخت قانوني ديگر نظیر وجوه تأمين شده از سوي كارگران يا بيمه دولتي كارگري به نحو روزآمد مي‌باشند. با وجود چنين ترتيباتي، به منظور جلب رضايت دولت، دارايي‌هاي واحدهاي دچار مشكل مي‌توانند پس از پرداخت مطالبات كارگران در جايي ديگر به كار روند.

## تجهيز مجدد دارايي‌ها

انتقال دارايي‌هاي متعلق به يك بنگاه مشكل‌دار، از طريق واحدهاي ويژه منطقه سرمايه‌گذاري و صنعتي ملي ذيربط تسهيل مي‌گردد. چنين تسهيلي بخشي از توافق قراردادي ميان واحد ويژه و بنگاه در هنگام تخصيص زمين خواهد بود و مشروط به توانايي بنگاه بر ارائه «گواهي عدم تزاحم»[[13]](#footnote-13) بعد از تسويه تمامي ديون، از جمله ديون قانوني به طلبكاران و كاركنان، از سوي واحد ويژه صورت مي‌گيرد. وساطت بنگاه ويژه با هدف واقعي كردن بهترين قيمت دارايي‌هاست تا براي ديگر اهداف توليدي به كار گرفته شوند.

به نحوي مشابه، واحد ويژه نقش جابه‌جايي كارگران واحدهاي مزبور به بنگاه‌هاي دچار كمبود نيروي كار در منطقه سرمايه‌گذاري و صنعتي ملي را بر عهده مي‌گيرند. اين جا‌به‌جايي از زمان تعطيلي بنگاه و با همان نرخ و شرايط خدمت بنگاه قبلي خواهد بود (كه مستلزم توسعه مفاد بخش 25 (1 الف) از وضعيت فعلي كه صرفاً «معدن» را شامل مي‌شود به«صنعت» است).

در مواردي كه ميان تعطيلي واحد و جا‌به‌جايي كارگران به واحدي ديگر در منطقه سرمايه‌گذاري و صنعتي ملي فاصله زماني وجود دارد، جبران دوره گذار از محل صندوق وجوه ريخته شده يا بيمه هر كدام كه مقتضي باشد صورت مي‌گيرد. البته اين مبلغ با تاييد اعضاي واحد ويژه مبني بر تضمين باقي ماندن موجودي حداقل مطابق با بند 2-3 جبران مي‌گردد.

## معافيت از ماليات بر افزايش قيمت سرمايه

معافيت از ماليات بر افزايش قيمت سرمايه در مورد فروش كارخانه و ماشين آلات يك واحد (توليدي) مستقر در يك منطقه سرمايه‌گذاري و صنعتي ملي مشروط به آن است كه با درآمد فروش حاصله در يك مهلت سه ساله كارخانه و ماشين‌الات جديدي در يك واحد توليدي ديگر مستقر در همان منطقه يا منطقه‌ي ديگر خريداري شود. اين ضابطه به منظور تشويق سرمايه‌گذاري مجدد درآمد حاصل از واگذاري دارايي‌هاي تحت تملك (جز زمين) بنگاه فعال در منطقه سرمايه گذاري و صنعتي ملي در بخش صنعت طرح گرديده است.

# توسعه و اكتساب فناوري

توسعه فناوري و ارتقاء آن براي دستيابي به اهداف تعيين شده سياستي حياتي مي‌باشد. بالا رفتن از نردبان فناوري سريع‌ترين راه براي رقابتي‌شدن در عرصه جهاني و دستيابي به رشد پايدار در بخش صنعت است. اين موضوع نه تنها به توسعه درون‌زاي فناوري، بلكه به توانمندي اكتساب فناوري در بازار جهاني نيز وابسته است.

در دنياي امروز فناوري سبز نه تنها يك گزينه بلكه يك ضرورت براي توسعه پايدار محسوب مي‌شود. در دسترس بودن فناوري‌هاي مقرون به صرفه همواره يك محدوديت براي رشد صنايع بوده است. اتخاذ و انطباق چنين فناوري‌هايي مشمول هزينه‌هايي است كه به ويژه براي شركت‌هاي كوچك و متوسط بسيار مهم مي‌باشد. با اين وجود پشتيباني از تجارب اكتساب فناوري‌هاي سبز و حافظ منابع ضروري است.

## مشوق‌هاي دولتي و مكانيزم‌هاي جديد براي بهبود فناوري‌هاي سبز

1-1-4- اين موضوع ضروري است كه معيارها و شاخص‌هاي شفافي براي طبقه بندي "پاك و سبز" تعريف شود. سامانه تعريف و اجراي فناوري‌هاي سبزتر و پاك‌تر طراحي خواهد شد كه به موضوعات زير مي‌پردازد:

* معيار عيني دولت مركزي مدنظر توسط كميته‌اي به نام "كميته صنعت سبز(GMAC)[[14]](#footnote-14)" متشكل از نمايندگان وزارتخانه‌هاي دولت مرکزی و همچنين كارشناسان خارج از دولت تعريف مي‌شود. اين معيارها مرتبط با برنامه عملياتي ملي در حوزه تغييرات آب و هوايي و راهبرد توسعه پايدار مي‌باشند.
* معيارها توسط اين كميته به صورت ساليانه و با پويائي لازم بازنگري مي شوند.

2-1-4- واحدهاي ويژه (SPV) و مناطق سرمايه‌گذاري ملي(NIMZs) توسط كميته مذكور با مسووليت انطباق ملاك پروژه با ملاك‌هاي فوق الذكر كه كميته آنها را تعیین كرده و بعد از بررسي به موقع موارد را مطرح خواهد كرد،‌راهبري مي‌شوند. تعهد اثبات فناوري پاك‌تر، به لحاظ انرژي كاراتر و سبزتر توسط طرف سوم كه يك آژانس/كارشناس مي‌باشد مميزي مي‌شود. اين آژانس/كارشناس توسط كميته صنعت سبز مورد تاييد قرار مي‌گيرد. در مورد مناطق صنعتي خارج از محدوده NIMZ، يك بدنه مديريتي از دولت مركزي مستقر شده و نقش SPV را بر عهده دارد.

## تشويق اكتساب و توسعه فناوري مناسب در كشور

* ايجاد صندوق اكتساب و توسعه فناوري(TADF)

اين صندوق جهت اكتساب فناوري‌هاي مناسب شامل موارد ذيل شكل مي‌گيرد: فناوري‌هاي دوستدار محيط زيست، ايجاد بانك حق اختراع و توسعه[[15]](#footnote-15)، توسعه تجهيزات بومي صنعتي بكار رفته در كنترل آلودگي و كاهش مصرف انرژي. صندوق اكتساب و توسعه فناوري ضمن تعيين نگراني‌ها و اولويت‌ها در بخش‌ها و صنايع مختلف، مشخص مي‌كند كه چه فناوري‌هايي و به چه تعداد در بخش‌هاي مختلف حمايت مي‌شوند.

1. شركت‌هاي كوچك و متوسط تا پيش از تحويل پروژه مربوطه به بانك حق اختراع و (يا) بخشي از بازپرداخت هزينه‌هاي اكتساب فناوري (تا دو ميليون روپيه) با هدف اكتساب فناوري‌هاي مناسب كه تا 5 سال از حق اختراع برخوردارند‌، دسترسي خواهند داشت.
2. ايجاد مشوق‌ها براي توليد تجهيزات و ماشين‌آلات و ادوات كنترل آلودگي و كاهش مصرف انرژي و آب. اين صندوق مشوق‌هاي زير را براي توليد و توسعه ارائه خواهد كرد:
   * + تجهيزات و (يا) فناوري‌هاي مورد استفاده در توليد انرژي خورشيدي، بادي، زمين‌گرمايي[[16]](#footnote-16) و ساير انرژي‌هاي تجديدپذير، فناوري زغال سنگ پاك، توليد و مديريت مخازن كربن[[17]](#footnote-17).
     + تجهيزات بكاررفته برای پالایش يا تركيب سوختهاي تجديدپذير، از جمله تكنولوژي‌هاي صرفه‌جوئي در برق فناورانه هوشمند شبكه‌هاي برق.
     + تجهيزات مورد استفاده براي پالايش يا تركيب
     + پيل سوختي، توربين‌هاي كوچك يا سامانه‌هاي ذخيره انرژي براي استفاده در خودروها و وسايل برقي و هيبريدي.

اين موارد شامل مشوق‌هاي ذيل هستند:

* + - * بازپرداخت 5% از بهره دريافتي از سوي وام دهنده.
      * 10% يارانه براي سرمايه گذاري

1. نظارت و ارزيابي عملكرد صندوق توسط "كميته صنعت سبز" صورت مي‌گيرد.

## ليسانس اجباري

1-4-4- صدور مجوز اجباري: در شرايطي كه يك شركت نمي‌تواند از آخرين اختراع فناوري سبز به دلايل 1) گراني اختراع و 2) عدم تمايل صاحب اختراع استفاده كند، صدور مجوز براي شكستن اختراع داده مي‌شود.

2-4-4- در مورد اشاره شده، صندوق اكتساب و توسعه تكنولوژي، به عنوان يك بانك پتنت و آژانس ليسانس‌دهي مستقل عمل مي‌كند. صندوق مي‌تواند حقوق مالكيت فكري صاحب اختراع را خريداري نمايد. هر شركتي كه مي‌خواهد از مالكيت فكري مذكور استفاده كند، مي‌تواند آن را در بانك پتنت جستجو كرده و در قبال پرداخت رويالتي (پرداختي به صندوق) در جهت توسعه محصول از آن استفاده كند.

3-4-4- در ارتباط با مورد دوم، صندوق اين اختيار را دارد كه دولت را به سمت موضوع اعطاي ليسانس اجباري سمت و سو دهد (با دولت تعامل و چانه‌زني كند). اين موضوع تحت شرايطي است كه صاحب اختراع، فناوري را با قيمت منطقي (بازاري) ارائه نمي‌كند. اين موضوع تحت قوانين TRIPS انجام مي‌گيرد.

# اقدامات آموزش صنعتي و ارتقاي مهارت‌ها

برآورد مي­شود در بازه زماني 17-2007 تعداد 85 ميليون نفر به نيروي‏كار اضافه شود. بر اساس مفروضات مربوط به كشش­ اشتغال و نرخ رشد توليد ناخالص داخلي در بخش‌هاي مختلف، رشد كل اشتغال در دوره مذكور 116 ميليون نفر برآورد مي­گردد. با توجه به منفي بودن نرخ رشد فرصت‌هاي شغلي در بخش كشاورزي، افزايش پيش­بيني­شده نيروي كار بخش‏هاي صنعت و خدمات جذب خواهد شد. برآورد مي­شود كه در دوره زماني 17-2006، تنها در بخش صنعت 5/24 ميليون فرصت شغلي جديد ايجاد گردد.[[18]](#footnote-18) همه اين مشاغل به نيروي كار آموزش‌ديده با مهارت‏هاي خاص و بخشي احتياج دارند. از آنجا كه در حال حاضر فقط 6 درصد نيروي‌كار هند از آموزش حرفه‌اي يا شغلي برخوردارند، يك «شكاف مهارتي» چشمگير از هر دو جنبه كيفي و كمّي بوجود مي‌آيد. اين شكاف مهارتي در كل بسيار بيشتر از ميزان افزايش جمعيت خواهد بود، چراكه حتي نيروي‏كار موجود هم به بازآموزي و آموزش مهارت‌هاي خاص نياز خواهد داشت. با اذعان به فوريت اقدام براي رفع هر دو نوع شكاف كيفي و كمّي در زمينه توسعه مهارت‌ها، در سياست ملي توليد صنعتي ايجاد ساختاري متشكل از چهار لايه زير براي توسعه مهارت‌ها پيشنهاد شده است:

1- ارتقاء سطح مهارت­ بين شمار زيادي از نيروي كار كم­آموزش­ديده (داراي آموزش يا مهارت اندك)؛

2- ارائه آموزش‌هاي شغلي و مهارتي مرتبط از طريق ايجاد مؤسسات آموزش صنعتي در چارچوب

مشاركت دولت و بخش خصوصي؛

3- توسعه مهارت‌هاي تخصصي از طريق ايجاد مراكز آموزش عالي علمي و فني (پلي­تكنيك)؛

4- تأسيس مركز آموزش مربيان در هر منطقه سرمايه­گذاري و صنعتي ملي(NIMZ).

## مهارت­سازي در نيروي كار كم­ آموزش ­ديده

1- مهارت­سازي در اين حوزه شامل برنامه­هاي «از مزرعه تا كارگاه» و «از مدرسه تا كار» مي­شود كه هدف آن‌ها سوق دادن نيروي كار كم­ آموزش­ديده به سمت بخش غيركشاورزي و جستجوي مشاغل غير فصلي است. اين گروه، بر اساس توانايي و استعداد كارآموزان و تفاوت‌هاي فاحش در ميان مهارت‌ها در هر حوزه، مهارت‏هاي لازم را براي مشاغل مبتني بر مهارت‌هاي پايين مانند خدمات باربري، خدمات نظافتي و غيره، و همچنين عمليات ساده در كارگاه‌ها، عمليات ماشيني ساده، و انطباق با الزامات مربوط به ايمني و كيفيت فرا خواهند گرفت. علاوه ­بر اين، مهارت­سازي شامل آموزش مسائل رفتاري مربوط به فرهنگ كاري شهري و صنعتي نظير وقت­شناسي، گزارش‌دهي، و توانايي كار در محيطي سازمان‌يافته هم مي­شود.

2- اين آموزش‌ها به منزله دوره­هاي آموزشي كوتاه­مدت و تقاضامحور مبتني بر «مهارت‌هاي شغلي پودماني[[19]](#footnote-19)» توصيه­ شده از طرف اداره كل استخدام و آموزش[[20]](#footnote-20) خواهد بود. اين دوره­ها، كوتاه‌مدت خواهد بود تا هزينه فرصت دوري از محل كار در مدت آموزش به حداقل برسد.

3- اقدامات شركت‌ها يا مؤسسات بخش خصوصي براي ارتقاي مهارت‌ها - اعم از اقدامات مستقيم يا از طريق بخش‌هاي غيرانتفاعي - به وسيله مشوق‌هاي مناسب و پشتيباني زيرساختي از طريق تركيبي از كمك‌هاي مالي و تخفيف‌هاي موزون تقويت خواهد شد.

براي تشويق بخش خصوصي به مشاركت مؤثر در برنامه توسعه مهارت‌ها، دولت يك تخفيف متوسط وزني استاندارد را در سطح 150 درصد هزينه­هاي صرف شده (بجز زمين و ساختمان) در سر فصل توسعه مهارت‌ها در بخش صنعتي در قالب تسهيلات جداگانه با همكاري شركت ملي توسعه مهارت‌ها[[21]](#footnote-21) ارائه خواهد داد.

4- آموزش و محتواي دوره­ها به زبان‌هاي محلي ارائه خواهد شد.

5- كارآموزي[[22]](#footnote-22) مهم‌ترين مرحله مياني در فرايند افزايش قابليت استخدام افراد است. اما زيرساخت‌ نهادي براي ايجاد ارتباط ميان كارآموز و كارفرمايان، كارفرمايان و كارآموز، و كارآموختگان و مشاغل وجود ندارد. برنامه كارآموزي بايد به‏گونه­اي اصلاح شود كه به نوعي آموزش ضمن خدمت مؤثر تبديل شود، نه اين‏كه بدون هرگونه توجه به نتيجه كار، صرفاً به رعايت يا اجراي «قانون» انديشيده شود. گستره اين برنامه با مشورت صنايع و انجمن‌هاي صنعتي چنان توسعه خواهد يافت كه اكثر بخش‌هاي اقتصادي را در برگيرد. اين اصلاح برنامه كارآموزي، به وسيله وزارت كار و اشتغال انجام خواهد گرفت.

6- در يك منطقه سرمايه­گذاري و صنعتي ملي، واحد ويژه با همكاري شركت ملي توسعه مهارت‌ها به ارتقاي مهارت‌ها خواهد پرداخت:

الف- در پنج سال اول، اولويت به ساكنان محلي داده خواهد شد و آموزش فقط وقتي به سايرين عرضه خواهد شد كه همه صندلي‌هاي موجود به وسيله ساكنان محلي پُر نشود.

ب- گواهي و ارزيابي مستقل توسط مؤسسات ثالث مورد تأييد صنايع براي تضمين استانداردهاي كيفيت و استخدام الزامي است.

پ- واحدهاي ويژه و عرضه­كنندگان خدمات براي بسيج و گزينش كارآموزان به تبليغات و اطلاع‌رساني مناسب در رسانه­هاي محلي الكترونيكي و چاپي و برگزاري نشست‌هايي در مناطق مختلف خواهند پرداخت.

ت- در صورت لزوم، واحدهاي ويژه و عرضه­كنندگان خدمات، تسهيلات لازم را براي اسكان كارآموزان شركت­كننده از مناطق دور فراهم خواهند ساخت. براي كارآموزان ديگر، وسايل حمل­ونقل و غذا تأمين خواهد شد.

## ايجاد موسسات آموزش صنعتي

هم‌اكنون (15 ژوئيه 2010) 8306 موسسه آموزش صنعتي با ظرفيت آموزش سالانه 16/1 ميليون نفر ايجاد شده است. افزون بر اين، ايجاد 500 موسسه جديد آموزش صنعتي در خوشه‌هاي صنعتي/ مناطق ويژه اقتصادي و 1000 موسسه جديد در ساير مناطق با مشاركت دولت و بخش خصوصي در برنامه يازدهم توسعه مدنظر قرار گرفته است. با وجود اين، زيرساخت آموزشي در دسترس همچنان به شدت ناكافي خواهد بود. مطالعه‌اي كه توسط آژانس اطلاعات سرمايه‌گذاري و اعتبارسنجي هند به سفارش شركت توسعه مهارت‌هاي ملي صورت گرفته، از شكاف مهارتي 240 تا 250 ميليون نفر تا سال 2022 حكايت مي‌كند. انتظار مي‏رود نزديك به 90 درصد از شكاف‌هاي مهارتي در بخش صنعت باشند. در راستاي چشم انداز برنامه توسعه يازدهم، رئوس پيشنهادها براي توسعه ساختار موجود آموزشي به شرح ذيل بيان مي گردد:

1- همان گونه كه در بند سوم بخش 1.5 آمد، براي تشويق بخش خصوصي به تاسيس موسسات آموزشي خود، دولت معادل 150 درصد تخفيف استاندارد وزنی (غير از زمين و ساختمان) را كه در پروژه‌هاي مشاركتي بخش دولتي و خصوصي براي توسعه مهارت‌ها در موسسه آموزش صنعتي (هند) در بخش توليد هزينه خواهد كرد كه اين تسهيلات به‏صورت جداگانه و مطابق با اولويت‌هاي شركت توسعه مهارت‌هاي ملي خواهد بود.

2- شركت‌ها مجاز به استفاده از امكانات موجود در موسسه آموزش صنعتي هند براي برگزاري دوره‌هاي آموزشي خواهند بود. اين امر، نياز آنان به سرمايه اوليه براي ايجاد چنين نهادهايي را كاهش مي‌دهد.

3- بسته‌ها و مطالب آموزشي در اغلب رشته‌ها قديمي‌ و نامتناسب با نيازهاي صنعت ‌هستند. از همين رو صنعت در توسعه بسته‌ها و مطالب آموزشي و نيز توسعه معيارها براي ارزيابي مهارت‌ها در كلاس، در آموزش شغلي يا در دوره كارآموزي، وارد خواهد شد. توسعه بسته‌هاي آموزشي يك فرايند پيوسته بوده و مهارت‌ها مطابق با نيازهاي بازار هماهنگ خواهد شد.

4- در يك منطقه سرمايه‌گذاري و صنعتي ملي، واحد ويژه موظف به ايجاد يك موسسه آموزش صنعتي براساس مقررات موجود در چارچوب "قرارداد ساخت، مالكيت، اجرا"[[23]](#footnote-23) خواهند بود.

الف- واحد ويژه عناصر تعيين‌‌كننده توانايي مالي موسسه آموزش صنعتي يعني عناصري مانند شناسايي شكاف‌هاي مهارتي و ارزيابي شرايط يا لوازم آموزشي، زيرساخت‌هاي آموزشي، عوامل فني، كيفيت مطلوب و غيره را ارزيابي خواهد كرد.

ب- اين عناصر در متن درخواست پيشنهاديه كه توسط واحد ويژه منتشر خواهند شد به روشني بيان مي‌شوند. سپس عرضه‌كنندگان واجد شرايط خدمات مي‌توانند پيشنهاديه خود را كه متضمن هزينه‌ها يا تعرفه‌هاي ارائه خدمات درخواستي به كاربران خواهد بود به واحد ويژه ارائه دهند.

ج- براي توسعه موسسه آموزش صنعتي، در منطقه سرمايه‌گذاري و صنعتي ملي، واحد ويژه به عقد قراردادهايي با عرضه‌كنندگان منتخب خدمات خواهد پرداخت. مفاد قرارداد در هر منطقه سرمايه‌گذاري و صنعتي ملي متناسب با مقتضيات همان منطقه تعيين خواهد شد.

د- موسسات آموزش صنعتي كه از سوي واحد ويژه در مناطق سرمايه‌گذاري و صنعتي ملي احداث خواهند شد، ممكن است براي كاهش هزينه‌هاي سرمايه‌اي، زيرساخت فيزيكي محدودي داشته باشند. آموزش‌هاي خاص هر يك از مشاغل مي‌تواند در كارگاه‌هاي واحدهاي صنعتي مرتبط يا توسط آژانس‌هاي طرف قرارداد آن‌ها صورت گيرد.

ه- برنامه (آموزشي) به وسيله نمايندگان صنايعي كه تحت نظارت منطقه سرمايه‌گذاري و صنعتي ملي هستند، بر مبناي ضوابط وزارت كار تدوين خواهد شد. برنامه‌هاي آموزشي ماهيتاً پويا خواهند بود و به واسطه نيازهاي صنايع تدوين خواهند شد.

و- موسسات آموزش صنعتي كار خود را در حوزه‌هايي آغاز خواهند كرد كه پتانسيل اشتغال سريع دارند، اما مي‌توانند بعد‌ها به حوزه‌هاي كاري ديگر بپردازند. اين امر نياز به يك سيستم استاندارد و ارزيابي فني دارد كه مي‌تواند بخشي از قرارداد منعقده با واحد ويژه باشد.

ز- موسسه آموزش صنعتي همچنين براي روزآمد كردن مهارت‌هاي كارگران مشغول كار نيز آماده خواهد بود.

ح- اعتبار آموزش‌هاي موسسه آموزش صنعتي از سوي دبيركل استخدام و آموزش وزارت كار تاييد خواهد شد.

5- هر واحد موسسه آموزش صنعتي فارغ از حوزه فعاليت آن به‏عنوان يك واحد جايابي براي هماهنگي امور مربوط به كاريابي كارگران آموزش ديده عمل خواهد كرد. هزينه‌هاي واحد جايابي در پنج سال نخست بر عهده دولت مركزي خواهد بود.

## تاسيس پلي تكنيك

ابتكارات در اين حوزه شامل ايجاد نهادهاي آموزش تخصصي همچون پلي تكنيك فني در زمينه خودرو يا فن‌آوري‌هاي پيشرفته و توسعه نيمه رساناها در بخش فناوري اطلاعات خواهد بود. اين نهادها براي مهارت‌هاي فني نيروي كار و روزآمد كردن مهارت‏هاي نيروي كار شاغل، حياتي خواهند بود. دولت مركزي هزينه‌هاي لازم براي ايجاد چنين نهادهايي را تقبل خواهد كرد. اين بودجه‌ همچنين به واحد ويژه در مناطق سرمايه‌گذاري و صنعتي ملي نيز تعلق خواهد گرفت. شيوه اجرايي شدن اين واحدهاي پلي تكنيك مانند واحدهاي آموزش صنعتي كه شرح آن در بندهاي فوق آمد، خواهد بود. اعتباربخشي به اين واحدها بر طبق معيارهاي دولتي موجود صورت خواهد گرفت.

# بنگاه‌هاي كوچك و متوسط

بنگاه‌هاي كوچك و متوسط سهم به‌سزايي در توليدات صنعتي، اشتغال و صادرات كشور دارند. براي نمونه، بر حسب ارزش، سهم اين بنگاه‌ها در توليدات صنعتي كشور 45 درصد و در صادرات 40 درصد ارزيابي مي‌شود. همچنين حدود 59 ميليون نفر در بيش از 26 ميليون بنگاه كوچك و متوسط مشغول به كارند. به علاوه، اين بنگا‌ه‌ها همواره بالاترين نرخ رشد را نسبت به نرخ رشد بخش‌ صنعت داشته‌اند. در حال حاضر، بيش از شش هزار محصول از محصولات سنتي تا اقلام فناوري بالا توسط بنگاه‌هاي كوچك و متوسط هندوستان توليد مي‌شود. بخش بنگاه‌هاي خرد، كوچك و متوسط پس از بخش كشاورزي بيشترين فرصت‌هاي شغلي را چه به صورت استخدام و چه به صورت خوداشتغالي ايجاد كرده است.

## دسترسي به وجوه مالي

دسترسي ناكافي به تأمين مالي لازم و به‌هنگام از مهم‌ترين چالش‌هاي پيش‌روي بنگاه‌هاي كوچك و متوسط، و علت اصلي آن نبود اطلاعات مالي و وجود رويه‌هاي غيررسمي كسب‌وكار است. اين بنگاه‌ها عمدتاً به منابع مالي مؤسسان خود و اخذ وام از بانك‌ها و مؤسسات مالي وابسته‌اند.

* بازارهاي سرمايه: دسترسي به بازارهاي سرمايه به علت مشكلاتي چون بالا بودن هزينه‌ها و دشواري رعايت الزامات قانوني مربوط براي بنگاه‌هاي كوچك و متوسط محدود است.
* آورده مؤسسان: در اين بنگا‌ه‌ها آورده مؤسسان ذاتاً (به علت كم بودن) نمي‌تواند موجب دسترسي به منابع مالي قابل‌توجهي شود.
* منابع مالي بانكي: ناتواني بنگاه‌هاي كوچك و متوسط به علت ناتواني در ايجاد دارائي‌هاي ملموس مادي و همچنين ضوابط مربوط به نسبت بدهي به دارايي كه در بانك‌ها حاكم است، موجب محدوديت دسترسي اين بنگاه‌ها به منابع مالي بانك‌ها مي‌شود. تزريق ناكافي سرمايه كه موجب خودداري بانكها در تأمين مالي مي‌شود، يكي از دلايل اصلي مشكل در اين واحدها است.
* سرمايه مشاركتي مخاطره‌آميز/آورده شركاي خصوصي: دسترسي به وجوه سرمايه مخاطره‌آميز، علي‌رغم رشد قابل‌توجه بازار سرمايه مخاطره‌آميز و سرمايه شركاي خصوصي در هندوستان، براي نسل اول كارآفرينان كه در بنگاه‌هاي كوچك و متوسط سرمايه‌گذاري كرده‌اند نيز دشوار بوده است. بر اساس اطلاعات كسب‌شده از منابع بخش صنعت، بيش از 250 شركت سرمايه مخاطره‌آميز/سرمايه شركاي خصوصي در هندوستان فعاليت دارند و كل سرمايه‌گذاري‌هاي شركاي خصوصي از ژانويه تا سپتامبر 2010 به حدود 18/7 ميليارد دلار بالغ شده است. با اين حال، شركت‌هاي سرمايه مخاطره‌آميز/سرمايه شركاي خصوصي به عللي چون هزينه‌هاي بالاتر نظارت بر بنگاه‌هاي كوچك و متوسط، ساختارهاي عملكرد غيررسمي و سطح پايين افشاي اطلاعات، آشكارا تمايل دارند در شركت‌هاي متوسط و بزرگ سرمايه‌گذاري كنند.

## پيشنهادها براي بهبود دسترسي بنگاه‌هاي كوچك و متوسط صنعتي به وجوه مالي

الف- تعويق يا معافيت ماليات سود سرمايه براي اشخاص در مورد فروش املاك مسكوني (خانه يا زمين)، در صورتي كه وجوه حاصل از اين فروش به‏عنوان آورده در ايجاد يك شركت كوچك و متوسط در بخش توليد صنعتي به‏منظور خريد كارگاه يا كارخانه و ماشين‌‌آلات جديد سرمايه‌گذاري شود. اين روش تعداد كثيري از كارآفرينان را قادر خواهد ساخت با فروش دارايي‌هاي موروثي خود سرمايه لازم را فراهم آورند كه اين امر نيز موجب افزايش سرمايه‌گذاري‌ها در بنگاه‌هاي كوچك و متوسط در بخش توليد صنعتي و اشتغال‌زايي خواهد شد.

ب- امتياز انتقال بار مالياتي شركت به سهامداران، با توجه ويژه به بنگاه‌هاي كوچك و متوسط در بخش صنعت. در اين روش صندوق‌هاي سرمايه مخاطره‌آميز بايد بر اساس مقررات سال 1996 هيات اوراق بهادار و ارز هندوستان (در خصوص صندوق‌هاي سرمايه مخاطره‌آميز) به ثبت برسند و به موجب قانون ماليات بر درآمد به نحو مقتضي گزارش فعاليت خود را ارائه دهند.

ج- تسهيل ضوابط بانك مركزي هندوستان در مورد بانك‌هايي كه در صندوق‌هاي سرمايه مخاطره‌آميز و با تمركز بر بنگاه‌هاي كوچك و متوسط بخش توليد صنعتي سرمايه‌گذاري مي‌كنند ضمن مشورت با اين بانك.

د- تسهيل ضوابط اداره نظارت و توسعه بيمه هندوستان، به نحوي كه به سرمايه‌گذاري شركت‌هاي بيمه در صندوق‌هاي سرمايه مخاطره‌آميز با تمركز بر بنگاه‌هاي كوچك و متوسط بخش توليد صنعتي كمك كند، ضمن مشورت با اين اداره.

ه- تأسيس بورس‌هاي اوراق بهادار براي بنگاه‌هاي كوچك و متوسط و به اجرا گذاشتن سند "چهارچوب شناسايي و نظارت بر بورس‌هاي اوراق بهادار/ سازوكارهاي تشكيل بورس‌هاي اوراق بهادار براي بنگاه‌هاي كوچك و متوسط" تهيه‌شده توسط هيات اوراق بهادار و ارز هندوستان، كه انتظار مي‌رود به افزايش دسترسي بنگاه‌هاي كوچك و متوسط به صندوق‌هاي سرمايه مخاطره‌آميز منجر شود.

و- به كار بستن توصيه‌هاي "كارگروه بنگاه‌هاي خرد، كوچك و متوسط" كه در 31 ژانويه 2010 به نخست‌وزير ارائه شده و از جمله شامل موارد زير مي‌باشد:

* ايجاد يك صندوق مجزا در كنار بانك توسعه صنايع كوچك هندوستان، با استفاده از وجوهي كه براي اعطاي اعتبار به بنگاه‌هاي كوچك و متوسط در نظر گرفته شده اما تماماً مورد استفاده قرار نگرفته است.
* تقويت پايه سهام شركت ملي صنايع كوچك، به‏منظور تحريك طرف تقاضا براي بنگاه‌هاي خرد، كوچك و متوسط.

ز- تسهيل دسترسي به منابع تأمين مالي بانكي از طريق اتخاذ ضوابط مناسب براي وام‌دهي بانك‌ها، ضمن مشورت با بانك مركزي هندوستان، به طور خاص به‏منظور ارائه خدمات به بنگاه‌هاي خرد، كوچك و متوسط و بنگاه‌هاي تجاري‌اي كه در مراحل ابتدايي فعاليت خود هستند. اين اقدام متضمن تغيير تمركز وام‌ها از دارايي‌هاي مادي به ساير انواع دارايي‌ها خواهد بود.

ح- توجه به بنگاه‌هاي كوچك و متوسط فعال در بخش توليد صنعتي به‌عنوان يكي از بخش‌هاي حائز اولويت در وام‌دهي، توسط كميته‌اي كه به‏منظور بررسي اولويت‌هاي وام‌دهي تشكيل مي‌شود.

## واحد بازپرداخت اقساط وام براي جمع‌آوري و پرداخت بدهي‌هاي قانوني بنگاه‌هاي كوچك و متوسط

رعايت قوانين و مقررات به خصوص براي بنگاه‌هاي كوچك و متوسط دشوار است. بنگاه‌هاي كوچك و متوسط ماهيتاً نيروي انساني و منابع محدودي دارند كه در صورت وجود سازوكارهايي براي اطمينان از اجراي صحيح مقررات، مي‌توانند در فعاليت‌هاي توليدي به نحو مفيدتر و ثمربخش‌تر به كار گرفته شوند. براي مثال، شركت‌ها به موجب مقررات متعددي چون قانون وجوه تأمين شده توسط كارگران، برنامه حقوق بازنشستگي كاركنان، قانون بيمه دولتي كاركنان، قانون پرداخت حق سنوات خدمت، قانون خسارات شخصي، و قانون جبران خسارات كارگران، موظف به برخي پرداخت‌ها هستند. پيشنهاد مي‌شود تشكيل يك يا چند سازمان بازپرداخت بدهي به‏منظور جمع‌آوري بدهي شركت‌ها و پرداخت وجوه قانوني در قبال اخذ هزينه‌هايي متناسب با سطح دستمزد كاركنان اين شركت‌ها، مورد توجه قرار گيرد. اگر شركت‏هاي بيمه بتوانند اين وظيفه را انجام دهند، سازوكار خروج پيش‌بيني شده در فصل 3 نيز مي‌تواند بخشي از وظايف اين سازمان‌ها باشد. اين‏گونه سازمان‌ها مي‌توانند از دولت مجوز بگيرند و بنگاه‌ها اختيار استفاده از خدمات اين سازمان‏هاي مجوزدار را خواهد داشت. با اين حال، مسؤوليت‌هاي قانوني ناشي از تخطي از مقررات مختلف بر عهده خود شركت‌ها خواهد بود.

# بخش‌هاي نيازمند به توجه خاص

7-1- از آنجا كه پيشنهادهاي اين متن سياستي به همه بخش‌ها مربوط است، پيشنهاد مي‌شود كه بخش‌هاي خاصي كه مي‌توانند از نظر هزينه‌ها رقابت‌پذير باشند و توانايي ايجاد اشتغال حداكثري را دارند، شناسايي شوند. اين بخش‌ها به مداخلات سياستي خاص نياز دارند. برخي از اين مداخلات سياستي بخش‌هاي خاص از پيش صورت گرفته است. با اين حال، كارآيي اين مداخلات بايد مورد بررسي قرار گيرد و در صورت لزوم اقدامات اضافي اتخاذ گردد. بخش‌هاي اولويت‌داري كه در اسناد كميسيون برنامه‌ريزي و شوراي رقابت‌پذيري توليد صنعتي ملي شناسايي شده‌اند، عبارت‌اند از:

الف- صنايع اشتغال بر مانند نساجي و پوشاك، چرم و كفش، سنگ‌هاي گران‌بها و جواهرات و فرآورده‌هاي غذايي.

ب- كالاهاي سرمايه‌اي شامل ابزارهاي ماشيني، تجهيزات الكترونيكي سنگين، حمل‌و‌نقل سنگين، حمل و نقل زميني و تجهيزات معدني، تجهيزات داراي فناوري بالا مانند مخابرات، برق، فناوري اطلاعات و ارتباطات و سخت‌افزارهاي الكترونيكي.

پ- صنايع راهبردي نظير هوافضا، كشتيراني، فناوري اطلاعات و سخت‌افزارهاي الكترونيكي، انرژي‌هاي تجديدپذير، خورشيدي و بادي و موارد مشابه، تجهيزات دفاعي.

ت- صنايعي كه هند در آن‌ها از مزيت نسبي برخوردار است: مانند خودروسازي و صنايع دارويي.

7-2- يونيدو نيز صنايع نساجي، شيميايي، فلزات اساسي، ماشين‌آلات و تجهيزات، و ماشين‌هاي الكتريكي را به‏عنوان بخش‌هايي شناسايي كرده كه در آنها هندوستان در ميان كشورهاي در حال توسعه پيشروست.

7-3- موارد ذكرشده فهرستي تمثيلي از بخش‌هايي است كه مي‌تواند هر از چندگاه و همراه با تحولات وضعيت اقتصادي اصلاح شود. وزارتخانه‌ها يا قسمت‌هايي كه با اين بخش‌ها سروكار دارند، بايد براي تضمين اين كه صنايع هندوستان از نظر هزينه‌ها در مواجهه با ساير بازيگران مهم اين حوزه قابليت رقابت دارند، به طور مستمر مداخلات سياستي خاصي را مد نظر قرار دهند.

# ترميم كمبود زيرساخت‌ها و خريدهاي دولتي

خريدهاي دولتي ابزار سياستي مهمي براي تقويت صنايع توليدي و توسعه شايستگي فناورانه است، به طوري كه،‌ بسياري از كشورها از آن در مسير توسعه خود بهره گرفته‌اند. حتي برخي كشورها براي مقابله با بحران اقتصادي اخير مجدداً به آن متوسل شده‌اند.

خريدهاي دولت به شرط استفاده از ارزش‌ افزوده محلی، در حوزه‌هايی به كار گرفته خواهد شد که در آن بتوانيم نيازهاي خريد دولتي را براي چند سال، به منظور ایجاد حجم و مقیاس‌‌هايی که توسعه قابلیت‌های صنعتي داخلی را تقويت نمايد، تجميع نمود. اين امر بويژه براي توسعه قابليت‌هاي فناوري‌هاي مهم، همچون LED، تجهيزات انرژي خورشيدي، سخت‌افزار و سيستم‌هاي امنيتي مبتني بر فناوري اطلاعات، تجهيزات حمل و نقل و بهينه‌سازي سوخت، همچون خودروهاي برقي و هيبريدي تمركز خواهد داشت.

اقدامات مشابهي در رابطه با بخش‌هاي زيرساختي كه دستگاه‌هاي دولتي، تجهيزاتي را در مقياس گسترده وارد مي‌كنند، صورت خواهد گرفت. رفع كمبود زيرساخت‌ها و نيازهاي تجهيزاتي در بخش‌هاي مختلف از جمله؛ جاده‌ها و بزرگراه‌ها، راه‌آهن، حمل و نقل هوايي و بنادر تا زماني كه حجم و مقياس قابليت‌هاي صنعتي ملي به حد قابل قبولي برسد، ادامه مي‌يابد. بر اساس يك محاسبه، اگر كمبود زيرساخت، به ميزان تجهيزات مورد نياز رفع شود، رشد بخش صنعت حدود 3 درصد در سال خواهد بود كه رقم قابل توجهي است.

همه قراردادهاي خريد تجهيزات/محصولات بوسيله دستگاه‌ها با اهدف دولتي، در زمينه‌هايي كه در بند 8-2 و بند 8-3 بيان شد، مستلزم ايجاد ارزش افزوده محلي خواهند بود.

اولويت خريد محصولات سبز در قراردادهاي خريد دولتي به صورت مناسب در نظر گرفته خواهد شد. اين معيار و رويه‌هاي مربوط به آن در پاراگراف 1.1.4 و 2.1.4 آمده است.

# خوشه‌بندي و تجميع: منطقه‌هاي سرمايه‌گذاري و صنعتي ملي

مناطق سرمايه‌گذاري و صنعتي ملي (NIMZs) به‌صورت شهرستان‌هاي صنعتي يكپارچه توسعه خواهند يافت كه در آنها مسايل زيرساخت‌ها و كاربري زمين حايز اهميت بوده و با توجه به قواعد منطقه‌بندي، فناوري‌هاي پاك و از لحاظ انرژي کارا، زيرساخت‌هاي اجتماعي لازم، تسهيلات توسعه مهارت‌ها و مانند اينها به منظور فراهم‌سازي محيطي مولد براي انتقال افراد از بخش ابتدايي به بخشهاي دوم و سوم توسعه صورت مي‌گيرد. اين مناطق توسط واحدهاي كاربرد ويژه (SPVs) مديريت مي‌شوند که برنامه اصلي منطقه‌بندي را تعيين مي‌كنند و وظايف ديگري كه در بخش‌هاي مختلف آن سیاست آمده است را نيز انجام مي‌دهند.

به‌منظور توانمند كردن اين مناطق سرمايه‌گذاري و صنعتي ملي در انجام فعاليت‌هاي خود به‌صورت خود گردان و واحد مستقل، اين مناطق توسط دولت ايالتي به عنوان يك شهرستان صنعتي ذيل بند Q(c) ماده 243 قانون اساسي اعلام مي‌شوند. به‌طور كلي، مناطق ملي سرمايه‌گذاري و صنعتي ملي، نواحي وسيعي از زمين‌هاي توسعه‌يافته با اكوسيستمي ضروري براي ترويج و ارتقاي فعاليت توليد در كلاس جهاني خواهند بود. اين مناطق با مناطق ويژه اقتصادي (SEZs) در مواردي همچون اندازه، سطح برنامه‌ريزي زيرساختي و ساختارهاي حاكميتي مرتبط با رويه‌هاي وضع مقررات و سياست‌هاي خروج متفاوت هستند.

## اندازه زمين

1. اندازه زمين براي يك منطقه سرمايه‌گذاري و صنعتي ملي بايد مساحتي حداقل برابر 5000 هكتار داشته باشد.
2. **دسترسي زمين:** دولت ايالتي براي انتخاب زمين مناسب براي توسعه منطقه سرمايه‌گذاري و صنعتي ملي شامل خريد زمين درصورت نياز مسئول است. اين زمين ممكن است ويژگي‌هاي زير را داشته باشد:

* زمين با مالكيت دولتي؛
* زمين‌هاي بخش خصوصي كه در منطقه سرمايه‌گذاري و صنعتي ملي واقع شده و توسط دولت ايالتي تملك مي‌شوند؛
* زمين‌هايي كه متعلق به نواحي صنعتي/مستغلات و واحدهاي بلااستفاده از جمله زمين‌هاي بخش عمومي

**اصول راهنما:** در همين راستا، اصول راهنماي زير بايد توسط دولت محلي مورد توجه قرار گيرد:

* ترجيحا اين زمين‌ها بايد بلااستفاده و متروكه باشند؛ مثل زمين‌هاي خشك و غيرحاصلخيزي كه براي كاشت مناسب نيستند؛
* به حداقل رساندن استفاده از زمين‌هاي كشاورزي براي این منظور؛
* همه اقدامات تملك زمين در راستاي يك برنامه پايدار اسكان مجدد و نوسازي صورت گيرد؛
* دسترسي قابل قبولي به منابع اساسي مثل آب داشته باشد؛
* اين زمين‌ها نبايد در يك ناحيه حساس به لحاظ زيست‌محيطي قرار گيرند و بايد حداقل فاصله لازم با اين نوع نواحي را رعايت كنند؛

1. **مالكيت زمين:** تعيين سازوكار و نحوه مالكيت زمين‌ها در راستاي بيشينه كردن قابليت كاركرد آنها برعهده دولت محلي مي‌باشد. برخي انواع مالكيت مورد توجه عبارتست از:

* مالكيت در اختيار خود دولت محلي باشد؛
* مالكيت به يك نهاد وابسته به دولت محلي انتقال يابد؛
* مالكيت به‌صورت مشاركتي با بخش خصوصي باشد؛
* هرگونه مدل مناسب ديگر؛

1. **ساير موارد**

* صرفنظر از مدل به تصويب رسيده، دولت محلي بايد تضمين كند كه زمين‌هاي مناطق سرمايه‌گذاري و صنعتي ملي بتوانند توسط سهم‌برندگان آتي آن زمين‌ها به عنوان تضمين‌هاي مالي براي بانك‌ها و موسسات مالي گرو گذاشته شوند.
* پس از مشخص شدن زمين‌هاي تخصيص يافته، انجام مطالعات بررسي تاثيرات زيست‌محيطي حاصل از هر منطقه سرمايه‌گذاري و صنعتي ملي برعهده دولت ايالتي مي‌باشد. وزارت توسعه و سياست صنعتي[[24]](#footnote-24) (DIPP) با همفكري وزارت محيط‌زيست و جنگلداري، آژانس‌هاي برگزيده براي انجام اين نوع مطالعات را تعيين و اعلام مي‌نمايد.
* حداقل 30% از زمين تخصيص يافته به يك منطقه سرمايه‌گذاري و صنعتي ملي بايد به عنوان مكان واحدهاي توليدي مورد استفاده قرار گيرد. دولت‌هاي ايالتي مي‌توانند درصد مشخصي از زمين هر منطقه سرمايه‌گذاري و صنعتي ملي را براي كسب‌وكارهاي كوچك و متوسط اختصاص دهند.
* دولت محلي هزينه بسته حمايتي سكونت دوباره و نوسازي محل زندگي براي صاحبان زمين‌هاي تملك يافته را (در صورت وجود) متقبل مي‌شود. هماهنگي لازم براي بازگرداني هزينه‌ها مي‌تواند در همكاري با واحدهاي ويژه (SPV) انجام پذيرد.

## ساختار اداري منطقه‌هاي سرمايه‌گذاري و صنعتي ملي

ساختار اداره مناطق سرمايه‌گذاري و صنعتي ملي متشكل از يك واحد ويژه (SPV)، يك نهاد توسعه‌دهنده، دولت محلي و دولت مركزي خواهد بود كه در ادامه توضيحات لازم درخصوص هريك از اين اجزا ارايه شده است.

### واحدهاي ويژه (SPV)

دولت مركزي از طريق اعلام در روزنامه رسمي ايجاد يك منطقه سرمايه‌گذاري و صنعتي ملي را اعلام مي‌نمايد. در همين راستا، يك واحد ويژه (SPV) به منظور اعطاي قدرت لازم براي اداره و مديريت منطقه سرمايه‌گذاري و صنعتي ملي تاسيس مي‌شود. هر واحد ويژه يك موجوديت قانوني با نام منطقه سرمايه‌گذاري و صنعتي خود خواهد بود. اين واحد كاربرد ويژه مي‌تواند يك شركت باشد.

### تاسيس واحد ويژه (SPV)

با مدنظر قرار دادن مشاركت مالي همه سهامداران اصلي منطقه سرمايه‌گذاري و صنعتي ملي (دولت، بخش عمومي و بخش خصوصي) بايستي يك ساختار مالي و اداري مناسب براي واحد ويژه (SPV) در بين سهامداران مختلف به توافق برسد كه براساس نمايندگاني از سهامداران مختلف در هيات مديره واحد ويژه (SPV) عضو شده و اختيارات لازم بدانها تفويض مي‌گردد. مدير ارشد اجرائي واحد ويژه (SPV) يك مقام رسمي عاليرتبه دولت مركزي/محلي خواهد بود. واحد ويژه (SPV) بايستي داراي يك واحد/كارشناس متخصص در حوزه حفاظت از محيط زيست و كنترل آلودگي باشد. همچنين يك سازوكار مناسب براي برعهده گرفتن نمايندگي سهم‌برندگان منطقه سرمايه‌گذاري و صنعتي ملی و در نتيجه واحدهاي صنعتي فعال در آن منطقه، بايستي مورد نظر قرار گيرد.

### كاركردهاي واحد ويژه (SPV)

هر واحد ويژه (SPV) موظف به عهده‌دار شدن و انجام كليه ماموريتها و فعاليت‌هايي است كه فكر مي‌كند براي توسعه، رشد، اجرا و مديريت منطقه سرمايه‌گذاري و صنعتي ملي لازم است. اين ماموريت‌ها و وظايف بايستي شامل موارد زير باشد:

1. برنامه‌ريزي و راهبري كلان منطقه.
2. آماده‌سازي يك استراتژي براي توسعه منطقه و يك برنامه عملياتي براي خود تنظيمي در راستاي اهداف اين سياست. اين دو بايد تاييد هيات تصويب را اخذ نمايد.
3. انتخاب نهاد توسعه‌دهنده (و همكاران اين نهاد) براي توسعه و نگهداري زيرساختهاي واقع در منطقه سرمايه‌گذاري و صنعتي ملي.
4. فرموله كردن قواعد و رويه‌هاي لازم براي توسعه، عمليات، وضع مقررات و مديريت منطقه سرمايه‌گذاري و صنعتي.
5. اجراي برنامه كلان و قواعد وضع شده.
6. برداشتن موانع زيست‌محيطي تحت شرايط و بندهاي ابلاغيه 2006 ارزيابي تاثير زیست محيطي چنانچه مساحت منطقه بيش از 500 هكتار است و برداشتن موانع زيست‌محيطي تحت قانون آب‌وهوا كه مرتبط با واحد توليدي است. اين موارد رفع موانع بايستي توسط واحد ويژه (SPV) تسريع و تسهيل شود.
7. تنظيم ترتيبات مناسب با دولت محلي براي جريان‌هاي درآمد شامل ماليات كاربران و واحدهاي توليدي؛ هزينه خدمات، اجرت، يا اجاره براي استفاده زيرساختها و تسهيلاتی كه توسط دولت در منطقه سرمايه‌گذاري و صنعتي ايجاد شده است و ايجاد مكانيزم‌هاي خاصي براي برخي خدمات. تا حد امكان، قيمت زمين تخصيص يافته براي صنايع توليدي بايد شامل هزينه زمين بعلاوه هزينه توسعه منطقه و پرداخت براي نصب تجهيزات و تاسيسات شود. اسكان كارگران فعال در منطقه بايد با نرخي قابل قبول با پرداخت يارانه مسكن از طريق عوارض نواحي مسكوني/تجاري، در صورت لزوم، بايستي انجام گردد.
8. ترويج سرمايه‌گذاري در منطقه (هم خارجي و هم داخلي).
9. بكارگيري و پياده‌سازي بسته حمايتي سكونت دوباره و نوسازي محل زندگي.
10. هر اقدام و كاركرد ديگري كه ممكن است توسط دولت محلي و سهامداران آن منطقه تصميم‌گيري شود.

## نهاد توسعه‌دهنده

يك واحد ويژه (SPV) مي‌تواند توسعه منطقه مربوط به خود را يا به‌طور مستقيم از طريق موسسات و پيمانكاران مختلف برعهده گيرد و يا اينكه توسعه منطقه را در مشاركت با يك نهاد توسعه‌دهنده (كه طرف حساب با پيمانكاران مي‌شود) انجام دهد. اين نهاد توسعه‌دهنده بايستي در يك فرايند شفاف انتخاب شود.

## دولت ايالتي

### تامين آب

همراستا با برنامه كلان منطقه، واحد ويژه (SPV) موظف به تامين آب موردنياز فعاليت‌هاي صنعتي و همچنين واحدهاي مسكوني و تجاري مي‌باشد. دولت محلي، تا حد امكان، آبهاي سطحي را از منابع پايدار قابل دسترسي در منطقه اختصاص خواهد داد. همچنين دولت محلي بايد منطقه سرمايه‌گذاري و صنعتي ملي را به‌لحاظ فراهم‌سازي تسهيلات لازم براي بهره‌برداري، استخراج، تصفيه و توزيع آب توانمند سازد. همچنين يك توافقنامه بلندمدت در مورد نرخ پرداختي آب خام بر حسب قيمت عمده فروشی آب (برحسب WPI يا هر شاخص مناسب ديگر) بايستي با واحد ويژه (SPV) منطقه منعقد شود.

### اتصال برق

توليد، انتقال و توزيع برق منطقه سرمايه‌گذاري و صنعتي برعهده دولت محلي است كه در آن بايستي موارد زير مورد توجه قرار گيرد:

1. دولت محلي ايجاد نيروگاه‌هاي برق از سوي فعالان بخش خصوصي (واحدهاي ويژه(SPV) واقع در مناطق سرمايه‌گذاري و صنعتي) را تسهيل مي‌كند به طوري كه اين واحدها اختيار كامل توليد، انتقال و توزيع برق را دارند. همچنين، اين واحدها مطابق با مقررات کمیسیون تنظیم مقررات برق ايالتي، اجازه دسترسي آزاد را خواهند داشت.
2. SPV يا نمايندة آن، به منطقه‌ سرمايه‌گذاري و صنعتي تعلق خواهد داشت و تحت ليسانس آن و مجوز بند 14 قانون برق سال 2003، نسبت به تامين و توسعه شبكه توزيع برق براي همان منطقه اقدام مي‌نمايد.
3. SPV يا نمايندة آن، مجاز به خريد برق مورد نياز منطقه‌ سرمايه‌گذاري و صنعتي ، از شركت برق محلي يا هر توليد كننده ديگر برق، از جمله واحدهاي عرضه برق (نیرو) مرکزی خواهد بود.

### ارتباطات زيرساخت

دولت محلي به درخواست منطقه سرمايه‌گذاري و صنعتي (NIMZ)، تضمين خواهد كرد كه با اعلام به منطقه، همه زيرساخت‌ها و تاسيسات فيزيكي مرتبط با آن طي يك سال از اين اعلام فراهم شود.

## دولت مركزي

وزرات توسعه و سياست صنعتي بعنوان حلقه اتصال و گره‌گشاي دولت مركزي در مسائل مربوط به مناطق سرمایه­گذاری و صنعتي ملي عمل خواهد كرد.

درخواست تاسيس NIMZ از سوي ايالت براي تاييد به وزرات توسعه و سياست صنعتي ارسال مي‌شود. وزرات توسعه و سياست صنعتي با تشكيل هيات تصويب، همه درخواست‌هاي تاسيس NIMZ را بررسي نموده و مواردي كه توجيه‌پذير باشند را تصويب مي‌نمايد. نتيجه بررسي توسط وزرات توسعه و سياست صنعتي به صورت جداگانه به هريك از NIMZها اطلاع‌رساني مي‌شود.

در مواردي كه اصلاحاتي در مفهوم و طراحي پروژه نياز باشد، نظر شوراي تصويب ملاك عمل خواهد بود.

### نقش

1. دولت مركزي تامين بودجه برنامه جامع مناطق سرمایه­گذاری و صنعتي ملي را برعهده خواهد داشت.
2. دولت مركزي زيرساخت‌هاي ارتباطي فيزيكي خارجي از جمله راه‌آهن،‌ جاده (بزرگراه‌هاي ملي)، ‌بنادر، فرودگاه‌ها و مخابرات را دريك زمان بسيار محدود براي NIMZها تقويت/فراهم خواهد كرد. اين زيرساخت‌ها تا حد ممكن از طريق مشاركت‌هاي بخش دولتي و خصوصي ايجاد/فراهم خواهد شد. شكاف بودجه‌اي از طريق طرح‌هاي تامين مالي موجود برطرف خواهد گرديد. در جايي كه لازم باشد، بودجه مورد نياز براي ايجاد اين زيرساخت‌ها فراهم مي‌شود.
3. دولت مركزي از طريق موسسات و طرح‌هاي خود زيرساخت نهادي لازم براي بهره‌وري، ‌كيفيت(تجهيزات آزمايشگاهي و غيره)، امكانات طراحي، تشويق نوآوري و توسعه مهارتي در NIMZها را فراهم خواهد آورد.
4. دولت مركزي، در كنار دولت محلي، توسعه سرمایه گذاری داخلی و جهانی در NIMZها را دنبال خواهد كرد.
5. ساير وظايفي كه در بخش‌هاي ديگر اين سياست مورد اشاره قرار گرفتند.

## تامين مالي زيرساخت داخلي NIMZها

توسعه زيرساخت درNIMZمستلزم سرمايه‌گذاري گسترده است كه نمي‌تواند صرفاً از منابع عمومي تامين شود. چنين پروژه‌هايي از دوره جنيني و زمان خواب طولاني برخوردارند، پيش از اينكه به مرحله درآمدزايي برسند. در حالی که تقاضای ضمني از منطقه وجود دارد، تحقق واقعی آن زمانی صورت مي‌گيرد كه پروژه‌های زیربنایی اجرا و تجهيزات فنی نصب شده باشند. پيش‌بيني مي‌شود كه توسعه زيرساخت‌هاي منتطقه در بسياري از موارد توسط فعالان بخش خصوصي صورت گيرد. اما با توجه به ماهيت رو به جلو[[25]](#footnote-25) اين فعاليت‌ها، حمايت‌ها و تشويق‌هاي مالي فعالان لازم است.

### براي اين هدف

1. شكاف تامين قابل تحمل(VGF): وزارت دارايي طرح پشتيباني از مشاركت‌هاي بخش دولتي-خصوصي در توسعه زيرساخت به صورت كمك مالي سرمايه‌اي در مرحلة ساخت و ساز پروژه را بر مبناي دستورالعمل‌هايVGF به اجرا درخواهد آورد. كل پشتيباني مالي تحت اين طرح نبايد از 20 درصد كل بودجه پروژه بيش‌تر باشد. بعلاوه، دولت محلي يا دستگاه‌هاي آن مي‌تواند درصورت توجيه‌پذير بودن، منابع مالي علاوه بر بودجه پيش‌بيني شده در نظر بگيرد.
2. اخذ وام بلندمدت كم‌بهره از موسسات مالي بين‌المللي: وام‌هاي بلندمدت كم‌بهره از موسسات بين‌المللي براي تامين مالي توسعه زيرساخت‌هاي NIMZها استفاده مي‌شوند. در صورت نياز برای مذاکرات چند جانبه غیر دولتي به منظور دريافت وام‌هاي بين‌المللي، پشتيباني‌هاي لازم ارائه مي‌شود.
3. وام‌هاي تجاري خارجي: موسسان NIMZها از اين وام‌ها براي توسعه زيرساخت داخلي خود بهره مي‌گيرند.

# سياست تجاري

10-1- سطح و تركيب توليد داخلي تا ميزان زيادي تحت تاثير سياست تجاري قرار دارد. رژيم واردات و صادرات، اعم از تعرفه‌ها يا اقدامات توسعه صادرات، ابزارهاي سياستي مهمي هستند كه تركيب توليد يك كشور را شكل مي‌دهند. با افزايش جهاني‌شدن و تعاملات بين‌المللي، اين امر حياتي است كه اين ابزارهاي سياستي به دقت تنظيم و اجرا شوند تا تاثير منفي بر توليد داخلي نداشته باشند.

10-2- سياست تجاري ديگر به اقدامات مرزي محدود نمي‌شود. امروزه قواعد تجارت بين‌المللي شامل اقداماتي است كه بيشتر از آنكه به مرزها مربوط باشند، به اقتصاد داخلي همچون خريدهاي عمومي/دولتي، باز مي‌گردند. خرید دولتي مي‌تواند، حسب اينكه چه صنعتي از طريق الزامات ارزش افزوده محلي مورد پشتيباني قرار گيرد، به ‌عنوان يك ابزار سياستي داخلي با اهميت جلوه كند. اين سياست خريد دولتي را بعنوان يك ابزار مهم در نظر مي‌گيرد. البته بايد اطمينان حاصل شود كه انعطاف‌هاي در دسترس در اين برهه كه هدف تقويت بخش توليد است، بيش از حد نباشد.

10-3- سياست تجاري اقدامات فعالانه‌اي براي حمايت از محصولات و خدمات صادراتي هند در مقابل ماليات مرزي يا ديگر اقدامات مرزي كه ممكن است توسط كشورهاي شريك براي حفاظت از محيط زيست در ارتباط با كاهش توليد گازهاي گلخانه‌اي ‌صورت گيرد، انجام مي‌دهد.

10-4- شوراي رقابت ملي[[26]](#footnote-26) مجاز به بررسی و ارائه توصیه‌هايي در حوزه ساختاري و دیگر اقدامات موثر در بخش توليد است، به گونه‌اي که اطمینان حاصل شود که تغییرات در آن‌ها تاثير منفي بر بخش تولید نداشته باشند.

1. - Manufacturing Depth

   نسبت ارزش ايجاد شده توسط خود بنگاه در توليد محصولات، كه از فرمول زير محاسبه مي‌شود: (محصولات كه توسط خود بنگاه توليد مي‌شوند) تقسيم بر (محصولاتي كه توسط خود بنگاه توليد مي‌شوند + محصولاتي كه از بيرون تامين مي‌شوند) [↑](#footnote-ref-1)
2. - Technological Depth

   در منابع خارجي، تعريفي براي اين اصطلاح ارائه نشده است. [↑](#footnote-ref-2)
3. . اين پروژه‌ها با عنوان Mission Mode Projects شناخته مي‌شوند. [↑](#footnote-ref-3)
4. - National Action Plan for Climate Change [↑](#footnote-ref-4)
5. - Governance Reforms [↑](#footnote-ref-5)
6. - Industrial training and skill up gradation measures [↑](#footnote-ref-6)
7. .Special Purpose Vehicle (SPV) [↑](#footnote-ref-7)
8. .State Pollution Control Board (SPCB) [↑](#footnote-ref-8)
9. .EIA [↑](#footnote-ref-9)
10. .Section 25FFF [↑](#footnote-ref-10)
11. .Sinking Fund [↑](#footnote-ref-11)
12. - نبايد كمتر از شش ماه باشد. [↑](#footnote-ref-12)
13. . Non-Encumbrance Certificate [↑](#footnote-ref-13)
14. -Green Manufacturing Committee [↑](#footnote-ref-14)
15. - patent pool اشتراك‌گذاري حق اختراع بين دو شركت كه موجب مي‌شود در هزينه و زمان صرفه‌جويي گردد. [↑](#footnote-ref-15)
16. -geothermal: به انرژی حرارتی که در پوسته جامد زمین وجود دارد، انرژی زمین‌گرمایی گفته می‌شود. [↑](#footnote-ref-16)
17. - creation and management carbon sinks [↑](#footnote-ref-17)
18. . Eleventh Five Year Plan 2007-2012- Volume I Inclusive Growth. [↑](#footnote-ref-18)
19. . Modular Employable Skills [↑](#footnote-ref-19)
20. . Directorate General of Employment and Training [↑](#footnote-ref-20)
21. . National Skill Development Corporation [↑](#footnote-ref-21)
22. . apprenticeship [↑](#footnote-ref-22)
23. - Build, Own and Operate (BOO) [↑](#footnote-ref-23)
24. - The department of industrial **policy** & promotion (**DIPP**) [↑](#footnote-ref-24)
25. afore-stated nature [↑](#footnote-ref-25)
26. -National Manufacturing Competitiveness Council [↑](#footnote-ref-26)